اهمیت و فلسفه امر به معروف و نهی از منکر

پدید آورنده : سید حسین اسحاقی ، صفحه 18

پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله» در ضمن یک مثال ساده، فلسفه امر به معروف و نهی از منکر و عدم منافات آن با آزادی را این طور ترسیم می فرماید:

یک گنه دار در میان مردم، مانند کسی است که با گروهی سوار کشتی می شود و هنگامی که در وسط دریا قرار می گیرد، به سوراخ کردن جایگاه خویش می پردازد. اگر دیگران او را از این کار خطرناک باز ندارند، آب به کشتی نفوذ می کند و یک باره همگی غرق می شوند.

پیامبر با این تعبیر زیبا، منطقی بودن و لزوم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را بر همگان مجسم می سازد و حق نظارت فرد بر اجتماع را حقی طبیعی که ناشی از پیوند سرنوشت هاست، می داند. آری، جامعه نیز به سان کشتی است. سرنشینان کشتی تنها تا حدی آزادند که موجب هلاک دیگران نشوند. هرگاه مسافری از این آزادی استفاده نادرست کند و بخواهد بامیخ یا تیشه بدنه کشتی را سوراخ کند، همه مسافران بنا بر غریزه دفاعی خود، به شدت با او مبارزه می کنند و عمل او را حرکتی از روی نادانی و محدودنگری می پندارند. بی شک سستی و بی توجهی آنان، خطر غرق شدن و نابودی همگان را به دنبال خواهد داشت. از این رو، همه مؤمنان در بازداشتن افراد از ارتکاب گناهان و زیر پا نهادن ارزش های الهی، متعهد و مسئولند.

عمل به این مسئولیت الهی - انسانی، بر همه کس واجب است و در صورت کوتاهی، باید در انتظار خواری این جهان و کیفر دردناک سرای دیگر بود. ملا احمد نراقی در توصیه ای مؤکد، این زنگ بیداری را با این سخنان به صدا در می آورد.

امر به معروف و نهی از منکر، از اعظم شعائر دین و اقوی علامت شریعت و آیین است و مقصد کلی از بعثت انبیا و ائمه و اوصیا و نایب گردانیدن متدینین از علما، بلکه قطب آسیای جمیع ادیان و ملل است که همه بر محور آن می گردند و در صورت اهمال و اخلال در انجام آن، مضمحل [می شوند] و از میان می روند. از این جهت، مدح و ترغیب به آن، در آیات و اخبار به کّرات آمده است که عاملین به آن صالحین و تارکین آن ملعون معرفی شده اند.

مفهوم شناسی و پیشینه امر به معروف و نهی از منکر

قدمت امر به معروف و نهی از منکر به زمان آفرینش حضرت آدم بر می گردد. نخستین انسان روی زمین، دعوت کننده به نیکی ها بود و پس از وی نیز پیام آوران وحی و پیروان مؤمن شان در انجام این فریضه مهم کوشیدند و برای منکر زدایی، دشواری ها را تحمل کردند و هزینه های جانی و مالی بسیار دادند. در روزگار ما امام خمینی «ره» مردم را به انجام این وظیفه الهی فرا خواند و در حال حاضر نیز رهبر فرزانه انقلاب همگان را به اجرای این فریضه الهی سفارش می کند:

همه باید امر به معروف و نهی از منکر بکنند، هم مسئولیت شرعی و هم مسئولیت انقلابی و سیاسی شماست. امر به معروف هم مثل نماز واجب است.

معروف، در لغت به معنی «شناخته شده»، از ماده عرف، و منکر، به معنی «ناشناس» از ماده انکار است. بر این اساس، کارهای نیک اموری شناخته شده و کارهای زشت و ناپسند، اموری ناشناس معرفی شده اند؛ چه این که فطرت پاک انسانی با دسته اول آشنا و با دسته دوم نا آشناست.

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

آیات زیادی درباره اهمیت این دو وظیفه مهم و بزرگ اجتماعی وارد شده است که ما تنها به برخی از آن ها اشاره می کنیم. در سوره آل عمران آمده است:

باید از شماها گروهی وجود داشته باشند که مردم را به نیکویی و خیر فرا خوانند و به معروف امر کنند و از منکر باز دارند و آنان رستگارانند. (آل عمران: 104).

از این آیه استفاده می شود که امر به معروف و نهی از منکر، دو مرحله دارد: یکی مرحله فردی که هر کس باید به تنهایی وظیفه نظارتی خود را انجام دهد و دیگری مرحله همگانی و دسته جمعی که در این حال، همه مردم موظفند برای پایان دادن به نابسامانی های اجتماعی دست به دست هم بدهند و با یکدیگر همکاری کنند. در نوع اول که جنبه فردی دارد، شعاع آن محدود به توانایی فرد است، ولی در نوع دوم چون جنبه گروهی دارد و شعاع قدرت آن وسیع است، طبعا از شئون حکومت اسلامی به شمار می آید. این دو شکل از فراخوانی، یعنی مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق، از شاهکارهای قوانین اسلامی است و لزوم تشکیل یک گروه نظارتی بر وضع اجتماعی و سازمان های حکومت را مشخص می سازد.

در این باره در سوره مائده، این کریمه قرآنی به چشم می خورد:

«چرا دانشمندان و عالمان دین، آنان [مردم] را از سخنان گناه آلود و خوردن مال های نامشروع باز نمی دارند؛ چه زشت است کاری که می کنند. (مائده: 63).

در آیه ای از سوره توبه هم آمده است:

مردان و زنان مؤمن، دوستان و هواداران یکدیگرند. امر به معروف و نهی از منکر می کنند، نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند و از خدا و پیامبر فرمان برداری می کنند. خداوند آنان را مورد رحمت قرار دهد که خدا عزیز و حکیم است. (توبه: 71).

افزون بر این آیات، آیه 17 سوره لقمان، آیه 157 سوره اعراف، آیات 40 و 41 سوره حج و آیه 110 سوره آل عمران، بر اهمیت این دو فریضه الهی تأکید دارند که با توجه به این رهنمودها، لازم است در سایه آموزه های قرآنی و احیای امر به معروف و نهی از منکر، شادابی و نشاط معنوی بیش از پیش به کالبد جامعه دینی دمیده شود.

امر به معروف و نهی از منکر، در روایات

افزون بر قرآن مجید، احادیث زیادی در منابع معتبر اسلامی درباره این دو وظیفه مهم و حیاتی وارد شده است و این، نشان از ارزش و اهمیت این دو مسئله از دیدگاه امامان معصوم «علیهم السلام» دارد. برای نمونه، امام باقر «علیه السلام» می فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است. فریضه بزرگی است که با آن فریضه های دیگر به پا داشته، راه ها امن و کسب و کارها حلال می شود. آنچه به ستم ستانده شده [است] به صاحبان آن باز گردانده می شود، زمین ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته و امر پا بر جا می شود.

در روایتی دیگر، پیامبر گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله» انجام این دو فریضه را مایه سعادت و برکت می شمارد و بیان می کند:

امت من مادام که امر به معروف و نهی از منکر کنند و یکدیگر را بر نیکی یاری دهند، در خیر به سر خواهند برد و چون چنین نکنند، برکت ها از آنان برداشته می شود و برخی به برخی دیگر تسلط می یابند و برای آنان، نه یاوری زمینی و نه آسمانی خواهد ماند.

حضرت علی «علیه السلام» نیز جایگاه این دو فریضه را این گونه نشان می دهد:

«تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون قطره ای است در مقابل دریای پهن و ژرف».

ترک امر به معروف و نهی از منکر، عاملی در سقوط تمدن ه

آنچه بیش از پی ریزی تمدن ها ضروری است، پایداری و پیش گیری از فروپاشی آن هاست. آیین رهایی بخش اسلام با توجه به این واقعیت، از آغاز، پیروانش را با عوامل نابودی تمدن های پیشین آشنا ساخته و طرحی نوین برای جلوگیری از این سرنوشت شوم ارائه داده است.

امام علی «علیه السلام» در بخشی از سخنان حکیمانه خویش با استناد به قرآن کریم، بی تفاوتی آگاهان و ترک امر به معروف و نهی از منکر را دلیل اصلی انحطاط دولت های گذشته معرفی می کند و برای جلوگیری از سقوط جامعه اسلامی مردم را به انجام این وظیفه که رمز پایندگی و بالندگی تمدن اسلام است، فرا می خواند و می فرماید:

«... انّما هَلَکَ مَنْ کانَ قَبْلُکُم حَیْثُما عَمِلُوا مِنَ الْمَعاصی وَ لَمْ یَنْهَهُمْ الرّبانیُّونَ و الاخْبارُ عَنْ ذلکَ»

«به درستی کسانی که پیش از شما هلاک شدند، مرتکب گناهانی می شدند و دانشمندان و نیکان، آن ها را از آن باز نداشتند و نهی از منکر نکردند.»

بر این اساس، بنیاد تمدن اسلامی بر دوش همه انسان های مؤمن قرار دارد و مردم همه در حفظ ارزش های الهی مسئولند؛ چه آن که زیر پا نهادن بخشی از این ارزش ها توسط یک فرد، هر چند امری بسیار کوچک جلوه می کند، به تدریج بر بنای استوار جامعه اسلامی ضربه می زند و سعادت و آرامش دیگران را نیز از بین می برد. برای مثال، سقوط اخلاقی در بخشی از جامعه، مانند بیماری واگیردار کم کم به دیگران نیز سرایت و دیگر بخش های جامعه را آلوده می کند. بنابراین سکوت در برابر مفاسد، اشتباه و گناه است؛ حتی اگر تنها از سوی یک نفر رخ دهد. این حقیقت را قرآن کریم در ضمن آیه ای کوتاه چنین بیان می کند:

«وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لا تُصیبَنَّ الَّذینَ ظَلَمُوا مِنْکُم خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أنَّ اللّهَ شَدیدُ العِقابِ»

«از فتنه ای که تنها به ستم کاران شما نمی رسد، بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است.»

بدین ترتیب، مبارزه با فساد و انحراف و سپس دعوت و راهنمایی به کارهای نیک، ضرورتی انکارناپذیر است و بر خلاف گمان برخی افراد ناآگاه، دخالت در زندگی دیگران نیست و با آزادی شخصی آنان منافات ندارد؛ زیرا آزادی حقیقی، از دیگران سلب آزادی نمی کند و منافع دیگران را به خطر نمی اندازد. بر این اساس، کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، از حقوق خود و جامعه که با افراط و انحراف مفسدان به خطر می افتد، دفاع می کند که در واقع، امری پسندیده و عقلایی است.

بایدها و نبایدهای امروز

در جامعه کنونی با پیشرفت امکانات ارتباطی از قبیل اینترنت، رسانه های صوتی و تصویری و... هر روز فرهنگ اسلامی بیشتر در معرض تهاجم فرهنگی قرار گرفته است و عدم آمادگی کافی در جوانان برای مقابله با این هجمه های فرهنگی، آسیب پذیری ایشان را بالا برده است. بدین منظور با ورود جوانان به عرصه های جدید می بایستی به امر به معروف نگرشی کاربردی تر صورت گیرد. اکنون که غرب با ترویج انواع مدها و پوشش ها و گویش ها سعی در ترویج و توسعه بی دینی و اباحی گری دارد، امر به معروف می تواند ابزاری کارآمد در مقابله با آن باشد.

پی نوشت ها:

1. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 3، ص 50.

2. ملا احمد نراقی، معراج السعادة، ص 369؛ تصرف.

3. روزنامه رسالت، 24 مرداد، 1373، ص 11.

4. شیخ حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ح 11، ص 394.

5. فروغ کافی، ج 1، ص 342.

6. صبحی صالح، نهج البلاغه، کلمات قصار، ش 374.

7. شیخ حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 11، باب اول، ص 395.

8. سوره انفال (8) آیه 25.